

مطبوعات اصفهان

در دوران قاجاریه

ستار شهوازی بختیاری

«قسمت دوم»

ابتدا به اسم فرج بعد از شدت موسوم شد. و بعد از بطبع رسیدن نمره اول آن انجمن مقدس بلدییه اصفهان به کوری چشم دشمنان و مستبدان برپا شد. و چون این بنده عضویت در آن انجمن داشتم، اعضای انجمن مقدس که تمام از علما و از بزرگان و اعیان و اشراف می‌باشند و همچنین رئیس انجمن مقدس آقای وثیق‌الملک تکلیف فرمودند که چون از این تاریخ به بعد این انجمن مقدس لابد باید جریده مخصوصی داشته باشد که آنچه مذاکره می‌شود همه روزه در انجمن در آن جریده درج شود، بهتر این است که این جریده موسوم به انجمن بلدییه شود. از این جهت اسم آنرا انجمن بلدییه قرار دادیم و آنچه راجع به آبادی مملکت و ترقی ملت است به اسم فرج بعد از شدت درج شود.»

ادوارد براون تاریخ انتشار این روزنامه را پنجم شوال سال ۱۳۲۵ ه. ق می‌داند که اشتباه است. زیرا شماره ششم این نشریه تاریخ رمضان ۱۳۲۵ ه. ق را دارد. صدر هاشمی تا شماره ۹ مورخ ۲۰ شوال این روزنامه را دیده است. به هر حال به نظر می‌رسد مدت انتشار آن کوتاه بوده است. براون انتشار آنرا حدود پنج ماه می‌داند.

انجمن بلدییه (هفته‌نامه)

مدیر مسؤول: نورالدین مجلسی

نوع و روش: روزنامه خبری، اجتماعی، تاریخی،

ارگان انجمن بلدییه اصفهان

تاریخ انتشار: مهر ۱۲۷۶ ه. ش، رمضان ۱۳۲۵ ه. ق

فاصله انتشار: هفتگی

قیمت: تک شماره یک عباسی، اشتراک سالیانه در

اصفهان ۱۲ قران، سایر نقاط کشور ۱۵ قران

هندوستان و افغانستان ۴ روپیه. اروپا و عثمانی و

مصر ۸ فرانک

قیمت آگهی: سطری ۱۰ شاهی. چهار صفحه

قطع وزیری بزرگ. چاپ سنگی. خط نستعلیق.

چاپخانه فرهنگ در بازار سراج‌ها

محل دفتر نشریه: محله شمس آباد

شعار روزنامه: «در این جریده از کلیه مطالب نفعه به

حال عامه خلق بحث می‌شود.» سه شماره اول این

نشریه ابتدا تحت عنوان «فرج بعد از شدت» منتشر

شد. سپس چون انجمن بلدییه در اصفهان تأسیس

گردید. این نشریه به عنوان ارگان انجمن انتخاب شد

و به «انجمن بلدییه» تغییر نام داد.

در بخشی از سرمقاله شماره چهارم به تاریخ

رمضان ۱۳۲۵ ه. ق آمده است: «چون این جریده

<p>و باشراک در نه ماینه و اصفهان ششماه بازو در نه — بشراک مابرجه ایران</p>	<p>انجمن کمالیه</p>	<p>میرزا نورالدین مجلسی تولید متولد شد و در اسفند ۱۳۰۷ شمسی برابر ۱۳۴۷ ه. ق در اصفهان فوت کرد. وی واعظ و امام جماعت مدرسه شمس آباد نیز بود و در شعر «چهره» تخلص می کرد. چند رساله در موضوعات مختلف نوشت است.</p>
<p>بازو در نه — بنت زینم هندستان چاه پویه — بود پویه قادر و پارستانی پویه بشت زنگ — حار زنگ</p>	<p>هزاره ای چهارم از طبع میرزا در بشت بگز از تاریخ میرزا تولید طبع بگز از تاریخ میرزا مرا حار جنت و کنت</p>	<p>یکند کز کز میرزا بنت بر سر میرزا انگیزات سطرکی ده شاک تولید جانا جلیع میشود چاه نخر شهر اصفهان</p>

شعار روزنامه: «این جریده که دیده حقیقت بینش باز و با انصاف و واقعیت دمساز است. اندیشه اش قلع ریشه شقاق، و پیشه اش قطع شجره شقاق. بغیر از وداد مقصودی، و بجز اتحاد منظوری ندارد، آزاد نیک و بد را محض تنبه و آگاهی می نگارد و دندان روی حرف نمی گذارد، تو خواه از سختم پندگیر و خواه ملال.»

این روزنامه جایگزین روزنامه انجمن بلدیة شده و مشروح مذاکرات این انجمن را چاپ می کرده است. در سرمقاله شماره اول انگیزه انتشار و نوع نگاه مدیر آن به مسائل به این شرح آمده است: «مقصود از نگارش با عدم بضاعت و دانش و تصادم موانع و عوایق انقلاب روزگار و رسیدن اخبار ناگوار، آنکه یکی از دوستان که با منش از سوابق الفتی پیوسته از طریق مهر و عنایتی بود، در این لیالی که غرق مکاره نامتناهی بودم، چون بخت بیدار، از پی دیدار در ملاطفت بر رویم گشود و زنگ کدورت، از آئینه دل زدود و فرمود: اگر به دیده تحقیق بنگریم و از راستی نگذریم، امروزه خدمت به وطن بر تمام افراد واجب و هر کس به اندازه قوه و مایه خویش لازم است که اقدامات جانبازانه در میدان وطن نماید و دست مردی گشاید. گفتمش:

میرزا نورالدین مجلسی: در سال ۱۲۷۴ ه. ق در اصفهان متولد شد و در اسفند ۱۳۰۷ شمسی برابر ۱۳۴۷ ه. ق در اصفهان فوت کرد. وی واعظ و امام جماعت مدرسه شمس آباد نیز بود و در شعر «چهره» تخلص می کرد. چند رساله در موضوعات مختلف نوشت است.

* رابینو ۳۶ / براون ۶۶ / صدر هاشمی ۲۲۲ / قاسمی ۱۶۸ خماسی زاده ۷۳ / برزین حرف الف.

بلدیة اصفهان

صاحب امتیاز و مدیر مسؤول و نویسنده: میرزا عباس چهارمحالی دهکردی «شیدا»
نوع و روش: روزنامه خبری، اجتماعی، ارگان انجمن بلدیة اصفهان.

تاریخ انتشار: ۱۸ / ۱۰ / ۱۲۸۶، پنجشنبه ۴ ذیحجه ۱۳۲۵

فاصله انتشار: دو بار در هفته

قیمت تک شماره: ۲۵ دینار اشتراک سالیانه: اصفهان ۲۵ قران، سایر نقاط کشور ۳۰ قران، خارج از کشور ۳۲ قران، قیمت یک سطر آگهی یک قران، ۴ صفحه قطع بزرگ. چاپ سنگی. خط نسخ متوسط. چاپخانه فرهنگ

ای دوست عزیز و ای صاحب عقل تمیز، بنده همواره خدمت به نوع را فرض دانسته و می‌داند. ولی از خَس چه نفعی؟ و از افتاده چه دستگیری برآید؟ چون غنچه شکفته تا لب مهر باز و سر را فراز نمود و چنین به گوش جان سرود که روزنامه‌ای تأسیس و خود را با خویش و بیگانه انیس کن. بنده واسطه حقوقی که بر منش از سوابق ایام بود، با بضاعت مزجات و مطاع کاسه دست اطاعت بر چشم قبول نهاده و متوکلاً علی‌الله و متوسلاً علی‌الائمه‌الهدی پشت پا بر هر چه هست زده و خیر ملت و دولت را مطمح نظر نموده راست‌بینی و راست‌گویی را فرض دیده و زبان شمرده و از خداوند تبارک و تعالی توفیق طی طریق در این راه می‌طلبم و صیانت از لغزش و ذلل را از ائمه‌هدی مصلحت [مسئلت] می‌نمایم که با قلبی صافی کعبه دلها را طوافی و بی‌غرضانه استقامت رأی را پیشه و بیداری صدق نور وی را اندیشه نمایند. مشترکین فخام از راست نسرنجند و از حقیقت‌گویی، ترش‌رویی نمایند. که آینه را در زیبایی و زشتی مدخلتی متصور نیست و منظور را در دویینی احوال و کج‌بین تغییر ملحوظ نباشد. امیدوارم قصدی بجز راستی و عرضه مقاصد بی‌کم و کاستی درخواستی نداشته باشم و اکنون شروع به مقصود می‌نماید و آستین جانبازی تا به ساعد بالا می‌نماید».

در فهرست رایینو صاحب امتیاز و مدیر این روزنامه افراد متعدد ضبط شده که درست نیست و در طول انتشار این روزنامه میرزا عباس چهارم‌محالی صاحب امتیاز مدیر و نویسنده اصلی آن بوده است. مندرجات این روزنامه به‌طور عمده مذاکرات جلسات اعضای انجمن بلدیة اصفهان، مقالات و اخبار بوده است. مدت انتشار آن کوتاه و حداکثر حدود پنج‌ماه و تا زمان به توپ بستن مجلس شورای ملی و تعطیل شدن عمومی جراید کشور بوده و در زمان نگارش فهرست رایینو یعنی حدود سال ۱۳۲۹ هـ. ق دایر نبوده است.

صدر هاشمی می‌نویسد از روزنامه بلدیة اصفهان فعلاً تا شماره پنجم سال اول مورخ دوشنبه هفتم محرم‌الحرام بدون ذکر سال، ولی معلوم است

که سال ۱۳۲۶ قمری درست است». نگارنده شماره ۴ سال اول آن را دیده است.

میرزا عباس چهارم‌محالی: در ۱۴ ذی‌حجه سال ۱۲۹۹ هـ. ق برابر با ۸ آبان ۱۲۶۱ هـ. ش مقارن با سی و پنجمین سال پادشاهی ناصرالدین شاه قاجار در شهرکرد فعلی مرکز استان چهارمحال و بختیاری متولد شد. وی پس از اتمام تحصیلات ابتدایی در مدرسه علمیه صدر اصفهان به آموختن علوم دینی مشغول شد و نزد استادان بلندمرتبه آن زمان از جمله شیخ مرتضی ریزی، آخوند ملا محمد کاشانی و جهانگیرخان قشقایی تلمذ کرد. در ۲۴ سالگی یک سال پس از تاجگذاری محمدعلی شاه، روزنامه بلدیة اصفهان را منتشر کرد. وی در اردوکنشی بختیاری‌ها برای فتح تهران به همراه یک گروه مطبوعاتی در معیت صمصام‌السلطنه بختیاری به تهران رفت. سپس در سال ۱۲۹۴ هـ. ق بزرگترین و مهمترین انجمن شعر اصفهان به نام «دانشکده» را تأسیس کرد.

در سال ۱۳۰۳ هـ. ق مجله ادبی علمی «دانشکده» را دایر نمود و پس از چندی به علت بیماری خانه‌نشین شد. سپس سال ۱۳۱۳ هـ. ش بار دیگر این مجله را منتشر کرد، اما بیماریهای ممتد و متعدد مانع از فعالیت جدی وی در عرصه ادب و مطبوعات شد. وی از شاعران توانا و خوشنویسان بنام بود و اکثر شاعران برجسته خطه اصفهان از جمله استاد جلال‌الدین همایی از برآمدگان انجمن شعر وی بودند. تمامی کسانی که درباره این شاعر روزنامه‌نگار مطلبی را نوشته‌اند بر فضل و دانش و بویژه فضایل نیک و اخلاق والای وی تأکید داشتند. میرزا عباس چهارم‌محالی ده‌کردی در روزنامه‌های «جهاد اکبر» و «پروانه» نیز به عنوان نویسنده همکاری داشت. وی در تاریخ ۲۳ اسفند ۱۳۲۸ در اصفهان درگذشت و در تخت فولاد مدفون شد.

آخرین شماره موجود: شماره ۴، سال اول - کتابخانه مؤلف.

* رایینو ۵۰/ براون ۸۸/ صدر هاشمی ۲۹۵/
قاسمی ۲۲۲/ خمایی زاده ۹۴/ برزین حرف ب

پروانه

صاحب امتیاز: سید حسن مؤمن زاده

مدیرمسئول: وحید دستگردی اصفهانی، تا شماره ۳۱
سال اولنوع و روش: روزنامه سیاسی، خبری، اجتماعی، ادبی
تاریخ انتشار: ۱۳۲۸/۷/۱۹ ه. ش، ۷ شوال
۱۳۲۸ ه. قفاصله انتشار: هفتگی روز سه شنبه هر هفته. قیمت
اشتراک سالیانه ۱۲ قران.قطع ۱۳×۶/۵ سانتی متری. هشت صفحه - چاپ
سربی، چاپخانه حبل المتین

نشانی دفتر نشریه: اصفهان قهوه خانه کاشی ها

شعار روزنامه: «این پروانه طرفدار مظلومین، مهیا برای
نشر معلومات صحیحه مشروعه، بی اختیار در
انجام خدمات مرجوعه، در باطنش غرض و در
کالبدش مرضی نیست. گفتار و رفتارش یکی است
و غیر از استقلال وطن هر چه هست در نظرش
اندکی خوف از سوختن ندارد و رعب را کفر
می داند». روزنامه پروانه از طرفداران مشروطه بود
و مندرجات آن مانند دیگر روزنامه های صدر
مشروطیت یک سرمقاله سیاسی یا اقتصادی، اخبار
شهری و سایر نقاط کشور و شکایات مردم از حکام
و تلگرافها و اخبار پایتخت بوده است. روزنامه
«ایران نو» در مورد «پروانه» در سال ۱۳۲۸ نوشته
است: «پروانه اصفهان دور شمع حقیقت
دموکراسی می گردد و به آتش مظالمی که رنجبران
ایران بدان می سوزند می سوزد».

در سرمقاله شماره دهم سال اول این روزنامه به
تاریخ ۲۴ ذی حجه ۱۳۲۸ آمده است: «انسان
محبوب به حجاب نادانی همان حیوان زبان بسته
است، آدم جاهل، همان حیوان غیرمدرک کلیات
است. به عبارت ساده تر آدم بی حس جاهل، همان
خر سواری حضرت فلان آقا و بهمان حضرت
اشرف است که هر چه بیشتر بر سرش بزنند بر
کثرت تحمل و فرمانبرداری افزایش. انسان بی شعور
همان اشخاصی هستند که هنوز مثلاً ارباب
بی انصاف را مالک الرقاب خود و اهل و عیالشان
دانند. انسان بی حمیت جاهل همان آدمهایی هستند

که وقتی به این حضرت اشرف های رنگ و وارنگ
یا حضرت اجل های دوروزی یا زالوهای مملکت یا
مخل های آسایش نوع یا خرج تراش های بی مروت
می رسند در عوض تعظیم سجده می کنند «اگر
فراموش کنند سجده کنند حکم به حبس شان شود.
چنانچه در همین اصفهان خراب شده چند روز
پیش واقع شد.»

رایینو مسلک و مرام روزنامه پروانه را دموکرات
دانسته است.

سید حسن مؤمن زاده: وی از اهالی اصفهان و در
راه آزادی و مشروطیت خدماتی نمود.
مؤمن زاده بیشتر عمر خود را صرف کارهای
مطبوعاتی کرد.

آخرین شماره موجود: شماره ۱۲، سال ۱، دانشگاه
تهران

* رایینو ۵۴/ براون ۹۳/ صدر هاشمی ۳۳۲/
قاسمی ۲۵۶/ خمایی زاده ۱۰۲/ برزین حرف پ
موجودی: دانشگاه تهران، سال ۱ (۱۳۲۸-۹ ه. ق)
شماره ۶ تا ۱۲

تحفة الادباء

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: عبدالحسین بنان زاده
(ادیب الممالک) معروف به ادیب فرهمند بروجنی
نوع و روش: مجله علمی، ادبی، اخلاقی
تاریخ انتشار: برج حمل (فروردین) ۱۳۰۱ ه. ش.
شعبان ۱۳۴۰ ه. ق

فاصله انتشار: ماهانه

قیمت: تک شماره دو قران، اشتراک سالیانه در
اصفهان ۲۵ قران، شش ماهه ۱۴ قران، سایر نقاط
کشور یک ساله ۳۰ قران، خارج کشور ۴۰ قران، به
شاگردان مدارس و بنات محصله (دختران
دانش آموز) نصف آبونه تخفیف. قیمت آگهی
سطری یک قران، کارگران و ارباب صنایع سطری
پنج شاهی

تیراژ: بین صد تا پانصد شماره. چهل صفحه، قطع
کوچک. چاپ سربی، چاپخانه حبل المتین
محل دفتر نشریه: باغ حاج بنان السلطنه، جنب
مریضخانه

در مورد خط‌مشی این مجله در سرمقاله شماره اول آن آمده است: «اکنون که با یک قلم بی‌غرض و با یک مسلک بی‌آلایش مجله علمی و ادبی و اخلاقی «تحفة الادباء» قدم در عالم مطبوعات ایران می‌گذارد، قبل از همه چیز البته قارئین گرام مایلند مرام و مسلک، مقصد و مقصود ما را بدانند. ما هم مختصراً شرح می‌دهیم. نظر به اینکه مقام قلم را در انظار متمدنین عالم منیع‌تر از هر مقامی دیدیم و شرافت قلم را بیشتر از هر شرافتی پنداشتیم. اما چه قلمی قلم حق‌نویس، چه قلمی، قلم پاک بی‌آلایش، بالاخره چه قلمی، قلمی که از حقایق چشم‌نپوشد و به ناحق نگردد. این بود که با نیت مقدس، قلم مقدس را در دست گرفتیم و داخل خدمات نوعیه می‌شویم.»

قسمتی از مندرجات این مجله که در سال اول ده شماره از آن منتشر شده، اشعار شعرای «انجمن ادبی» اصفهان و «دانشکده» اصفهان بوده است. احتمالاً آخرین شماره آن شماره ششم سال دوم می‌باشد.

عبدالحسین بنان‌زاده: از جمله شاعران روزنامه‌نگار بود که در سال ۱۳۱۷ ه. ق در شهر بروجین از توابع استان چهارمحال و بختیاری متولد و در سال ۱۳۵۳ ه. ق در ۳۶ سالگی در اصفهان درگذشت. بنان‌زاده بویژه در ادبیات ذوقی سرشار داشت. وی انجمن شعری تحت عنوان «انجمن اصفهان» تشکیل داد و در نشریات دیگری نیز مانند «گیتی‌نما»، «مداین» و «اختر مسعود» به‌عنوان سردبیر فعالیت کرد. کتاب شعری نیز به نام «جشن جغدها» دارد. او به شیوه قدیم و جدید شعر می‌سروده است. در مناقشات قلمی جراید اصفهان در سالهای ۱۳۰۰ و ۱۳۰۱ نقش داشت.

آخرین شماره موجود: شماره ۶، سال ۲، کتابخانه‌های آستان قدس مشهد، دانشگاه تهران.

* صدر هاشمی ۳۷۲/قاسمی ۲۸۷/برزین حرفت موجودی: آستان قدس، سال ۱ (۱۳۰۱ ش) شماره ۴ تا ۸، سال ۲ (۱۳۰۲ ش) شماره ۱، ۴، ۶ دانشگاه تهران، سال ۱ شماره ۱ تا ۱۰، سال ۲ ش ۱ تا ۶ کتابخانه ملی، سال ۱ شماره ۱ تا ۲

شماره سوم بیست و نهمین سال دوم

نوع اسبزه تقریباً در مقالات وارده و

اداره در سطح کلان و مقالات عالی و آرا و اندیشه

۱۳۰۳

علی - ادبی (طرفدار صنایع ایران) (اخلاق - تاریخی)

مؤسس و مدیر عبدالحسین (ادیب المالك)

برج بروج (جای بروج جزا) (۱۳۰۲) شمس

شهر ریج افغانی (۱۳۴۲) قری

وجه اشتراك

ساپانه اسلمهان : ۳۰ قران

[شش ماهه .. : ۱۵ قران]

(سایر بلاد ایران یکساله) ۳۵ قران

خارج در هر جا ۴۰ قران

تک نمره در قران

اعلامات بطری بقران

اعلامات آرایب سطح بطری بقران

بشارکدان مدارس و بنات حمله نصف ایتمه نخبف داده میشود

وجه اشتراك پس از او سال دوسره دریافت میشود

(ه جای اداره مرقاً غیا بان خوش ه)

در هر بروج یک شماره منتشر میشود (۰)

تنها

مدیر مسؤول: میرزا سید احمدخان

نوع و روش: مجله اجتماعی

تاریخ انتشار: ۱۳۰۳ ه. ش و ۱۳۴۳ ه. ق

فاصله انتشار: ماهیانه

صدر هاشمی در یک جمله نوشته است «مجله تنها در سال ۱۳۰۳ شمسی در اصفهان به‌طور ماهیانه تأسیس شده است.»

در منابع دیگر نیز اطلاعات بیشتری به دست نیامد. ظاهراً مدت انتشار این مجله بسیار کوتاه بوده است.

سید میرزا احمدخان: وی دانشجوی رشته پزشکی بوده است. در سال ۱۳۰۱ ه. ش نیز مجله «طب» را در تهران منتشر نموده و در ۸ آذرماه ۱۳۰۴ مجدداً آن را در تهران انتشار داده است.

* صدر هاشمی ۴۰۵/قاسمی ۳۱۱/برزین حرفت

جامع

نوع و روش: روزنامه خبری، اجتماعی

صاحب امتیاز و مدیر مسؤول: سید عبدالحجت بلاغی

تاریخ انتشار: بین سالهای ۱۳۰۳ و ۱۳۰۴

فاصله انتشار: هفتگی، ظاهراً یکی دو شماره بیشتر منتشر نشده است.

* صدر هاشمی ۴۴۱

جنبش

نوع و روش: روزنامه خبری، اجتماعی

صاحب امتیاز و مدیر مسؤول: سید مهدی نقیب‌السادات یزدی (نقیب‌زاده)

تاریخ صدور امتیاز انتشار: ۲۰ بهمن ۱۳۰۳

تاریخ انتشار: طلوعه (پیش شماره) فروردین ۱۳۰۴

صدر هاشمی می‌نویسد: «در تاریخ ۲۰ دلو (بهمن) ۱۳۰۳ شمسی شورای عالی فرهنگ امتیاز روزنامه جنبش را در اصفهان به مدیری آقای سید مهدی نقیب‌السادات تصویب نمود. نگارنده طلوعه این روزنامه را که در فروردین ۱۳۰۴ شمسی طبع و منتشر شد، دیده ولی تاکنون نمونه‌ای از خود روزنامه را به دست نیآورده‌ام و شاید در اصفهان بیش از همین طلوعه منتشر نشده باشد.»

صدر هاشمی سپس در مورد چگونگی انتشار چند نشریه در اصفهان می‌نویسد: «در سال‌های ۱۳۰۳ و ۱۳۰۴ شمسی جنبشی در میان طلاب جوان و متجدد اصفهان پیدا شده بود که چند تن از آنها را وادار به دخالت در امور اجتماعی و سیاسی نموده و سه چهار تن از آنها به کار روزنامه‌نویسی مشغول شدند. ولی این کار به علت مخارج زیاد به دست آنها دوامی نکرد و اغلب پس از انتشار طلوعه روزنامه و یکی دو شماره از آن روزنامه برای همیشه تعطیل می‌شد. از این قبیل جراید یکی همین روزنامه «جنبش» به مدیری نقیب‌زاده یزدی است و دیگری روزنامه «سحاب» به مدیری سید ابوالحسن سحاب و همچنین روزنامه‌هایی است که شیخ ابراهیم کرمانی و غلامحسین ابتهاج کرمانی در اصفهان تأسیس نمودند. آخرین کسی که از میان طلاب اصفهان به فکر انتشار روزنامه افتاد آقای سید عبدالحجت بلاغی بود که روزنامه «جامع» را تأسیس کرد، ولی آن هم ظاهراً بیش از یکی دو شماره منتشر نشد و تعطیل گردید.»

* صدر هاشمی ۴۴۱ / قاسمی ۳۴۶ / برزین حرف ج

جوقایی پات‌گام ابر

صاحب امتیاز و مدیر مسؤول: باکراد وارتازاریان

نوع و روش: روزنامه خبری و دینی

تاریخ انتشار: ۱۲۸۱ ه. ش. ۱۳۲۱ ه. ق سال ۱۹۰۲ م
فاصله انتشار: هفتگی

چاپ سربی. به معنای پیام آور جلقای نو، نخستین نشریه ارمنی‌زبان در جلقای اصفهان.

* صدر هاشمی نام آنرا «جوقایی لربر» به معنای جلقای باهوش ضبط کرده است. مسعود برزین می‌نویسد: «ارامنه معتقدند باید آنرا «نور جوقائی» دانست تا معلوم شود متعلق به جلقای اصفهان است و نه جلقای آذربایجان. (کلمه نور در عبارت فوق به معنی جدید و منظور همان جلقای نو است). ادوارد براون آنرا «جوگاری لربر» به معنای جلقای روشنفکر و رابینو آنرا «جوقای پات‌گام بر» یا «جوعائی لرابیر» ضبط کرده‌اند.

* رابینو ۲۳۵ / براون ۱۳۱ / صدر هاشمی ۴۵۲ / قاسمی ۳۵۵ / برزین حرف ج

جهاد اکبر

صاحب امتیاز و مدیر: میرزا علی آقا خراسانی

سردبیر: از شماره ۲۶ به بعد: میرزا محمدعلی معلم
نوع و روش: روزنامه، خبری، سیاسی، انتقادی
تاریخ انتشار: ۱۳/۱۱/۱۲۸۵-۶ محرم ۱۳۲۵ ه. ق.
فاصله انتشار: هفتگی.

قیمت: اشتراک سالیانه در اصفهان ۲۵ قران، ۶ ماهه ۱۵ قران، سایر نقاط کشور به اضافه هزینه پست. قطع بزرگ، معمولاً ۸ صفحه، چاپ سنگی، خط نستعلیق چاپخانه دارالطباعة عباس خان.
شعار روزنامه: «جریده‌ای است مطلق و آزاد و محرک سلسله حمیت و اتحاد، مذهب اخلاق، محذر از نفاق. در مواقع لازمه بیانات نافع علمیه و مقالات ادبیه و سیاسیه مندرج خواهد شد.»

مشسی این روزنامه طرفداری سرسختانه از مشروطیت و حمله به مستبدین بوده است. صدر هاشمی می‌نویسد: «جهاد اکبر یکی از جراید خوب و مهم آغاز مشروطیت بود و در طول انتشار از حیث طبع و کاغذ و قطع، شماره اول با آخر تفاوتی ندارد. این روزنامه

میرزا علی قلی خسرما
عنوان مراسلات
اصفهان حبیب اکبر
برهمنه شیبغ و توزیع میشود
بازر در هر شهر خادای اولی
۱۳۲۵ هجری

جهاد اکبر

کوک

مجله طبع و انتشار اصفهان

سال اول

اصفهان
ششماه
۵ افران
ابونه
سالان
۲۵ قران
سایر ولایات و اطراف بنامه قیمت است
وجه ابونه ابر هر جا بعد از کسب سفرد گرفته میشود
اعلان است با نفع بحال ملت و دولت مجانب
هرج میشود

جریده است مطلق و از ادعای سلسله حمیت استیجاب و محض اخلاق محمد زار افغان و مروج
لازمه سیادت نافیه علمیه و مقالات ادبیه و سیما تیه بر مندرج خواهد شد

اظهار نداشته اند و بعد از آنها اول کسی که بیدار شد، اهالی آذربایجان بوده که در راه آزادی از مال و جان گذشتند.» نویسنده کتاب «تاریخ سانسور در مطبوعات ایران» روزنامه جهاد اکبر را از جمله جراید مترقی و مشروطه خواه و معروف شهرستانها می داند و می نویسد: «پس از فتح اصفهان توسط مشروطه خواهان بختیاری این روزنامه که مخالف سرسخت محمدعلی شاه بود همچنان به روشنگری پرداخت.»

راینو علت تعطیل شدن روزنامه جهاد اکبر را مسافرت مدیر آن به تهران دانسته و تاریخ تعطیل شدن آن را ۴ ربیع الثانی ۱۳۲۶ بیان کرده است. اما صدر هاشمی می نویسد: «شماره ۲۲ سال دوم مورخ شنبه ۶ رجب المرجب ۱۳۲۷ قمری، آخرین شماره این روزنامه است که نگارنده در دست دارد.»

میرزا علی آقا خراسانی: معروف به جهاد اکبر، وی فرزند سید جعفر بود که اجدادش از خراسان به اصفهان مهاجرت کرده بودند. سید علی آقا از مشروطه خواهان بود و در اردو کشی سران بختیاری برای فتح تهران به اتفاق چند روزنامه نگار دیگر از جمله سید احمد نوربخش دهکردی، میرزا عباس چهارمحالی دهکردی (شیدا) مدیران روزنامه های «نامه حقیقت» و «بلدیه اصفهان» حضور داشت. وی فردی فاضل و دانشمند بود. پس از استقرار از مشروطه در عدلیه جدید وارد خدمت شد و مدتی

یکی از جراید سرسخت علیه محمدعلی شاه و دربار بود و از این جهت پس از فرار محمدعلی شاه شادیاها نموده و مقالات مفصلی در این زمینه نوشته است.»

ادوارد براون نیز نظر داده است: «این نشریه یکی از مطبوعات بسیار شدیدالحن بوده و گستاخی و شهامت فوق العاده و مقالات آتشین آن یکی از موجبات خاص شکایت محمدعلی شاه بوده است. تهران کوشش داشته آنرا خفه کند و توقیف نماید. ولی معهدا بیش از یکسال به انتشار خود ادامه داده است. روش سیاسی جهاد اکبر آرمانهای آزادیخواهانه و مشروطیت اعتدالی بوده است.»

در مقاله ای تحت عنوان «بیداری از خواب غفلت» در شماره ۶ سال اول به تاریخ ۱۶ صفر ۱۳۲۵ ه. ق این روزنامه آمده است: «اهالی ایرانی روزگار درازی بود که در بستر غفلت و نادانی غنوده بودند و چنان کور و کر و از دنیا بی خبر بودند که با آنکه سلطنت مستقله در عالم یکی دویش نبود، خفتگان یک یک بیدار و گرفتاران قید استبداد دسته دسته خود را آزاد می نمایند. و این صدا میزان گرانی خواب هر یک از خفتگان شد، چه اهالی هر یک از بلاد که در رفع ظلم و استبداد بیشتر کوشیدند و شربت عدالت را بیش از سایرین نوشیدند زودتر بیدار شده اند و از روی این میزان می توان گفت اهالی تهران خوابشان مصنوعی بوده و مدتها بوده که بیدار شده اند، ولی از ترس مستبدین مکنونات خاطر خود را



علمی ادبی اخلاقی

سالیانه

موسس و مدیر مسئول: میرزا عباسخان شیدا
سر دبیر: میرزا محمد خان سپاهانی (شیوا)

شماره ۴ سال دوم انتشار دیمه ۱۳۱۳

(بهای اشتراك) سالیانه ۳۰ ریال (عموم محصلین ۲۰ ریال
'کلیه کارهای اداره یا سر دبیر مجله است')

(قیمت این شماره ۳ ریال)

(محل اداره کتبخان اصفهان)

طالبین نمایندگان مجله در ولایات کتاب هورت خود را بطور رایج ارسال نمایند
مژ روز ارسال دارند

اداره در طبع و اصلاح مشورات و منقولات وارده مجله است
چاپخانه مطابعه دانشکده

دانشکده اصفهان

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: میرزا عباس چهارم محالی
دهکردی (شیدا) دوره اول با همکاری سید حسن
مؤمن زاده

نوع و روش: مجله اخلاقی، ادبی، علمی

ناشر آثار انجمن ادبی دانشکده اصفهان

تاریخ انتشار: دوره اول در (بهمن) ۱۳۰۳ ه. ش رجب
۱۳۴۳ ه. ق.

فاصله انتشار: ماهانه (نامرتب) قیمت تک شماره:

۲/۵ قران، اشتراک سالیانه ۳۰ قران

قطع خشتی، چهل صفحه، چاپ سنگی، خط نستعلیق
چاپخانه: فرهنگ، پروین، امامی.

محل دفتر مجله: منزل شخصی مدیر، محله مسجد

حکیم اصفهان

انجمن ادبی دانشکده که میرزا عباس شیدا در سال

۱۲۹۴ ه. ش آن را در اصفهان تأسیس کرد به نوشته

دکتر ساسان سپنتا «یکی از باشکوه ترین و طولانی ترین

مدعی العموم دادگستری اصفهان و رئیس
دادگستری نیز بود. در سال ۱۳۰۶ ه. ش با پاگرفتن
تشکیلات جدید دادگستری توسط داور به کارگرفته
نشد و اواخر عمر از تهران به اصفهان بازگشت و در
تاریخ ۱۳۲۵/۱/۲۴ ه. ش در این شهر درگذشت.
* رایینو ۷۵/ براون ۱۲۹/ صدر هاشمی ۴۵۳/
قاسمی ۳۵۶/ خمای زاده ۱۳۷/ برزین حرف ج
آخرین شماره موجود: ش ۴۲، سال ۱، کتابخانه مجلس
موجودی: دانشگاه تهران، سال ۱۳۲۵-۲۶۱ (ه. ق)
شماره های ۴، ۶، ۱۳، ۲۱، ۲۲، ۲۷، ۳۳، ۳۴، ۴۱.
مجلس: سال ۱، شماره ۱، ۳، ۴۲.

حقیقت

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: میرزا محمدرضا
حسن زاده معروف به عبرت گیلانی.

نوع و روش: مجله سیاسی، اخلاقی، علمی، ادبی،
تاریخی و اقتصادی.

تاریخ انتشار: پنجشنبه ۲۰ عقرب (آبان) ۱۲۹۸،
۱۹ صفر ۱۳۳۸ ه. ق.

فاصله انتشار: سال اول ۱۵ روز یک بار، سال دوم
هفتگی نامرتب.

قیمت: تک شماره ده شاهی، اشتراک یکساله
۱۲ تومان، سال دوم یکساله ۷۰ قران، ششماهه
۴۰ قران. سال اول ۲۱ صفحه، سال دوم کمتر.

قطع سال اول کوچک خشتی، سال دوم قطع
وزیری بزرگ. چاپ سربی چاپخانه حبل المتین.

محل دفتر مجله: اصفهان خیابان خوش

شعار مجله: «جنگ هفتاد و دو ملت همه را عذر بنه،
چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند».

این مجله موضع خاصی نداشته و کتاب
«یادگارهای یک دیوانه» نوشته لئوتولستوی به
ترجمه مصطفی فاتح در آن چاپ می شد.

صدر هاشمی می نویسد: «از مجله حقیقت
نگارنده تا شماره ۳ سال سوم مورخ ۳ شنبه

۳ شعبان ۱۳۳۹ قمری را در دست دارد».

آنچه را که رایینو و براون ذیل شماره های ۸۹ و ۱۴۷

نوشته اند درباره این مجله نیست و مربوط به روزنامه
«نامه حقیقت» است. رجوع شود به نامه حقیقت

انجمن‌های ادبی اصفهان بود که با حضور بیش از یک صد تن از شعرا عصرهای جمعه در منزل شخصی شیدا، واقع در محله مسجد حکیم اصفهان تشکیل می‌شد.»

استاد جلال‌الدین همایی نیز می‌نویسد: «میرزا عباس‌خان شیدا متوفای ۱۳۶۹ ه. ق در ابتدا به تشویق و راهنمایی شها موفق به تأسیس انجمن شعرا شد که از سنه ۱۳۳۴ قمری تا مدت هفت سال گرم و دایر بود و بعد از آن منتقل به خانه ادیب فرمند گردید که تا هنگام وفاتش چندین سال دوام و استمرار داشت. اکثر شعرای امروز اصفهان از قبیل محمدحسین صغیر، مجید اوحدی یکتا، عبدالکریم بصیر و محمد ابراهیم شکیب و امثال ایشان همه در جزو پروردگان و تربیت‌شدگان همان دو انجمن‌اند.»

میرزا عباس شیدا، با اشاره به انجمن دانشکده درباره انگیزه انتشار مجله دانشکده اصفهان نوشته است: «اولاً چون پس از زحمات ده ساله، امروز انجمن دانشکده اصفهان مزین به قریب یکصد نفر از اساتید ادبی است، بنده ناچیز به خیال خویش به سرمایه کم و بضاعت مزجات این اقدام را که فقط و فقط به شوق فطری بوده و وسیله کسکول گدایی و کلاشی نبوده، چنانچه صدق قولم را تمام آقایان فحام این شهر مستحضرند، خدمتی به دولت و ملت دانسته تا چه قبول افتد و چه در نظر آید. اینک هم با انتشار این مجموعه - مجله دانشکده اصفهان - شاید بتواند خدمت دیگری به اندازه وسع انجام دهد. تا خدا چه خواهد. ثانیاً چون برای غیر از دوستان مبادرت به ارسال مجموعه نمی‌شود. که شاید خدای نخواستہ تحمیلی باشد و مأخوذ به حیا شود. لذا اگر کسی طالب اشتراک است تقاضا فرماید. ثالثاً مذاق و سبک مجموعه چون ادبی است هرگاه صاحبان قلم بخواهند مقاله بفرستند باید رعایت سلامت کلام و حتی المقدور اجتناب از الفاظ دور از ذهن عامه بنمایند، که محتاج به قاموس و فرهنگ و دیکشنری نباشیم. بیشتر غرض و مقصود ما ترغیب و تحریض به اخلاق حسنه و نسخ و برانداختن عادات و شیم مذمومه است، چه ناشی از تمدن مآب باشد چه شیوه تدین اکتساب و امیدوارم از سخن من هیچکدام از دو طایفه نرنجند و با میزان انصاف بسنجند.»

مجله دانشکده اصفهان که اکثر مقالات آن توسط میرزا عباس شیدا نوشته می‌شد پس از ۷ شماره به علت بیماری مدیر آن متوقف شد.

شماره هفتم آن با چاپ سری است و در این شماره سید ابوالحسن فروز قمی متخلص به سحاب نیز معاونت داشته است. مندرجات دوره اول بیشتر ادبی، اجتماعی و علمی و اشعار شورای انجمن دانشکده است. دوره دوم مجله دانشکده، مجدداً در تیرماه ۱۳۱۳ ه. ش منتشر شد.

برای آشنایی بیشتر با میرزا عباس شیدا رجوع شود به روزنامه بلدیہ اصفهان

آخرین شماره موجود: شماره ۷، سال اول (دوره اول کتابخانه‌های دانشگاه تهران، مولوی شهرکرد و کتابخانه شخصی مؤلف)

* صدر هاشمی ۵۳۸/قاسمی ۴۳۰/برزین حرف دال. موجودی: دانشگاه تهران، سال ۱، دوره اول، (۴-۱۳۰۳ ه. ش) شماره ۱، ۵، ۷ سال ۱، دوره دوم، شماره ۱ تا ۵

کتابخانه مولوی شهرکرد به صورت زیراکس دوره اول. شماره‌های ۱، ۲، ۳، ۴، ۷ و دوره دوم شماره‌های ۱، ۲، ۳، ۴، ۵.

راه نجات

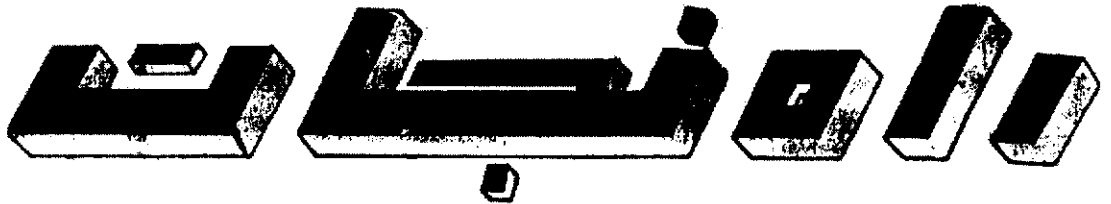
صاحب امتیاز و مدیر مسؤول: ابراهیم راه نجات
نوع و روش: روزنامه سیاسی، خبری، اجتماعی، اقتصادی

تاریخ انتشار: ۱۲۹۴ ه. ش.

فاصله انتشار: هفتگی

قیمت: اشتراک سالیانه اصفهان ۴۰ قران، سایر نقاط کشور ۴۵ قران، قطع وزیری، ۴ صفحه. چاپ سری. چاپخانه: جبل‌المتین. محل دفتر روزنامه، سرلت در چاپخانه جبل‌المتین مدتی نیز محله شمس آباد. شعار روزنامه: «منافع ایران و بحث در حقایق امور، نقطه نظر این جریده است.»

روزنامه راه نجات در طول ۳۲ سال انتشار خود به گفته صدر هاشمی «تغییر مسلک نداده و از ابتدا طرفدار رنجبر و کارگر و مخالف با اصول سرمایه‌داری بوده و لذا هر وقت به شدت مرام خود را تعقیب می‌کرد دچار توقیف می‌گردید.» و به همین خاطر به دفعات دچار توقیف شد. اولین بار در ۱۴ مرداد ۱۳۰۱ ه. ش به علت درج مقاله



سرمقاله‌های آن از این قرار است: «سیلاب مهیب در جریان است، فرعون‌های ایران بخوانند»، «دنیا در آتش می‌سوزد»، «اثرات فقر ایجاد انقلاب در عالم»، «بیداری مظلومان یا نهضت اجتماعی».

ابراهیم راه نجات: وی خواهرزاده و اعظم معروف ملک المتکلمین بود که به دستور محمدعلی شاه اعدام گردید. راه نجات از دوران جوانی طرفدار مشروطه بود و به علت فعالیتها و مبارزاتی که داشت توسط عمال روسیه تزاری غیباً به مرگ محکوم شد. وی شدیداً طرفدار محرومان جامعه بود و مرتباً با حکومت رضاشاه درگیری داشت. در سال ۱۳۳۹ ه. ق کتابی به نام «راه نجات» در ترویج آیین اسلام و مبادی آزادی تألیف کرد که اجازه انتشار نیافت.

صدر هاشمی می‌نویسد: «در جریانات بعد از شهریور ۱۳۲۰ که حزب توده در ایران کمر و فری داشت و من جمله در اصفهان دارای نفوذ و قدرت فوق‌العاده گردید با اینکه سران حزب چندین بار از مرحوم راه نجات تقاضای همکاری و ورود به حزب را نمودند آن مرحوم نپذیرفت». ابراهیم راه نجات عاقبت بر اثر بیماری که به علت عدم توان مالی نتوانست آنرا معالجه کند، در ۲۹ فروردین ۱۳۲۶ در اصفهان درگذشت. آخرین شماره موجود: شماره ۳، سال ۱۷-۱۳۱۰، دانشگاه تهران.

موجودی: دانشگاه تهران، سال ۹ (۱۳۰۳ ش) شماره ۲، سال ۱۷ (۱۳۱۰ ش) شماره ۳.
* صدر هاشمی ۵۷۳ / قاسمی ۴۵۴ / برزین حرف ر.

شدیداللعن درباره اعمال یکی از سرمایه‌داران اصفهانی به نام اعتمادالتجار توقیف و مدیر آن زندانی شد. آخرین بار نیز در سال ۱۳۱۴ ه. ش روزنامه راه نجات توقیف و مجدداً مدیر آن نیز زندانی گردید و تا شهریور ۱۳۲۰ در توقیف ماند.

نویسنده کتاب «تاریخ سانسور در مطبوعات ایران» معتقد است: «سواى تهران، از جمله معروفترین روزنامه‌هایی که در دوره سوم مشروطه در شهرستانها ایجاد شد می‌توان «راه نجات» در اصفهان و «چمن» در خراسان را نام برد». وی همچنین می‌نویسد: «این روزنامه - راه نجات - پس از کودتای سید ضیاء و بر سر کار آمدن سردار سپه در سالهای ۱۳۰۰ خورشیدی به بعد مورد اقبال روشنفکران قرار گرفت و بارها توقیف شد».

انتشار روزنامه راه نجات را می‌توان به سه دوره تقسیم کرد. دوره اول از بدو انتشار تا سال ۱۳۱۴ دوره دوم از شهریور ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۶ که سال فوت مدیر آن است و دوره سوم از سال ۱۳۲۶ تا تعطیل شدن که مدیریت آن به‌عهده فرزندان راه نجات، نجات‌الله راه نجات بوده است.

در سرلوحه روزنامه راه نجات همیشه جمله «اعتماد ما به خداست» و مدتی نیز این بیت حافظ: «به پیر مکیده گفتم که چیست راه نجات

گرفت جام می و گفت راز پوشیدن» نوشته می‌شد. اهمیت این روزنامه در سرمقاله‌های تند و آتشین به قلم مدیر آن بود. عنوان بعضی از